



حکم به این‌همانی «رنج» بودا و «کبد» قرآنی، شتابزده و ناشی از سطحی‌نگری است

برخی با حکمی شتابزده مبنی بر این‌همانی اصل رنج بودیسم و واژه قرآنی «کبد» مدعی می‌شوند که آنچه بودا درباره رنج مطرح کرده، قرآن نیز همان را گفته است...

برخی با حکمی شتابزده مبنی بر این‌همانی اصل رنج بودیسم و واژه قرآنی «کبد» مدعی می‌شوند که آنچه بودا درباره رنج مطرح کرده، قرآن نیز همان را گفته است، حال آنکه تفاوت‌های متعدد و بنیادی میان اصل «کبد» قرآنی با اصل رنج بودا وجود دارد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در نهمین نشست از سلسله نشست‌های «کبد»؛ آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب» که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

وی در معرفی آخرین نمونه از عرفان‌های نوظهور هندی، به دلالتی لامای چهاردهم اشاره و اظهار کرد: آموزه‌های دلالتی لامای نهم از اندیشه‌های بودا و یوگا در هندوستان است. در جلسه پیش اندکی درباره آیین لاما و فرهنگ تبت و زندگی‌نامه شخص دلالتی لامای چهاردهم مباحثی را مطرح کردیم و نیم‌نگاهی به افکار و اندیشه‌های او نیز داشتیم.

فعالی افزود: در آن جلسه مقرر شد تا مباحث مربوط به دلالتی لاما را در دو بخش ارائه کنیم: بخش نخست زندگی‌نامه و مقدمات بود که گذشت و بخش دوم تعالیم، اندیشه‌ها و آموزه‌های اوست. از آنجا که تعالیم، اندیشه‌ها و آموزه‌های دلالتی لاما از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار است و در بسیاری از آموزه‌ها با دیگر آیین‌های معنویت‌گرای نوظهور هندی و حتی غیرهندی مشترک و مشابه است، بنا را بر این گذاشتیم تا تأمل و درنگ بیشتری بر آموزه‌ها و مباحث این آیین داشته باشیم.

وی با بیان این‌که آموزه‌ها و تعالیم دلالتی لاما متعدد و متنوع است، گفت: شاید حدود 9 آموزه سراسر افکار و اندیشه‌های وی را تشکیل دهد که در اینجا به نمونه‌هایی چند از آن اشاره می‌کنیم. اصل تناسخ نخستین آموزه آیین دلالتی لاما است. چنانکه در مباحث پیشین اشاره شد اصل تناسخ با فرهنگ هند گره خورده و هرگاه نامی از هندوستان به میان می‌آید، اصل تناسخ به ذهن تداعی می‌شود. بنابراین فرهنگ هند یعنی تناسخ و تناسخ یعنی فرهنگ هندوستان!

این مدرس حوزه و دانشگاه گفت: گرچه این دیدگاه نیز به صورت ضمنی و نه‌چندان قوی وجود دارد که اندیشه تناسخ از تاریخ و فرهنگ هندوستان نیست و برای نمونه به مصر باستان و دوران فراعنه بازمی‌گردد، اما دیدگاه اصلی این است که زادگاه و خاستگاه اصل تناسخ تفکر هندو در هندوستان است. در جلسات پیشین تناسخ را با بیان ساده تعریف کردیم و با بیان ساده، دو دلیل در نقد و تحلیل و بررسی تناسخ ارائه کردیم.

این مدرس حوزه و دانشگاه در بیان مهم‌ترین مؤلفه آیین دلالتی لاما گفت: وی هدف اصلی زندگی را شادی و شادمانه زیستن می‌داند و این هدف دقیقاً بر اساس آموزه بودا و آیین بودیسم شکل گرفته است. بودا با نام اصلی «سیذارته گوتمه» در نیمه دوم از سده پنجم قبل از میلاد می‌زیست و نقل است که پس از هفت سال ریاضات، در نهایت به نوعی حالت روشن‌بینی و روشن‌ضمیری نائل شد و بعدها نام آن حالت را «نیروانه» نامید. وی به تدریج آموزه‌هایی پیدا کرد و نسخه‌هایی برای نجات بشریت پیچید و آموزه‌های او که حاصل حالات و خلسه‌هایش بود، در حدود 45 سال سراسر هند را فراگرفت و با سرعت از هندوستان نیز خارج شد.

وی تصریح کرد: آموزه‌های بودا بسی متنوع و مبسوط و گسترده است و بنده تنها به یکی از آنها که به اصل شادی در آموزه‌های دلالتی لاما مربوط می‌شود اشاره می‌کنم. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین آموزه بودا اصل رنج است که اگر انسان بتواند از آن رهایی یابد حالت جانشین و جایگزین آن یعنی شادی به او دست خواهد داد. همان آموزه‌ای که توسط دلالتی لامای چهاردهم هدف اصلی زندگی در این جهان تلقی شده است.

فعالی ادامه داد: اصل شادی دقیقاً مبتنی بر اصل رنج بودیسم است. به همین مناسبت جا دارد که نگاهی به اصل رنج در آیین بودیسم بیفکنیم. بودا معتقد به چهار اصل معروف بود: اول، زندگی از لحظه تولد تا مرگ سراسر رنج است و تمام حیات انسان آمیخته از انواع رنج، آلام، کمبودها، نیستی‌ها و پلیدی‌هاست، دوم، ریشه تمامی آلام و رنج‌های آدمیان در این جهان آرزوها و امیال آن‌هاست که در برخی از برگردان‌های فارسی این امیال و آرزوها به هواهای نفسانی ترجمه شده و خود این ترجمه‌ها اشکال دارد؛ زیرا امیال و آرزوهای مطرح در آیین بودا به هیچ‌وجه با هواهای نفسانی مصطلح در فرهنگ دینی ما مطابقت ندارد. این‌ها از باب این‌همانی‌هایی

است که برخی میان آیین اسلام و تفکرات دیگر برقرار می‌کنند.

این مدرس دانشگاه گفت: بنده بارها به دانشجویان توصیه اکید کرده‌ام که اگر مشابهتی - حتی مشابهت لفظی - میان يك مقوله فکری از فرهنگ دیگر و یکی از مؤلفه‌های فرهنگ دیگر مشاهده کردید، هرگز حکم این‌همانی نکنید. این‌همانی به‌طور کلی میان دو فرهنگ ممنوع است، مگر آنکه مستدل و مستند اثبات شود. در این مقوله‌ها بسیاری از افراد و حتی بزرگان صاحب اندیشه گرفتار شده و به این همانی‌ها فتوا داده‌اند.

فعالی با اشاره به اصل سوم، عنوان کرد: اصل سوم این است که باید با این ریشه آمل و آرزوهای بشر که اساس و بنیاد آلام و رنج‌های انسانی است، مبارزه کرد و اصل چهارم که مهم‌ترین اصل از چهار حقیقت بودیسم است اینکه راهکارهایی برای مبارزه با امیال و آرزوهای انسانی که ریشه‌های رنج‌های انسان هستند ارائه می‌دهد. این راهکارها در قالب اصول هشت‌گانه بودا مطرح می‌شوند. تفصیل این راهکارها توسط بودا به قواعد رهبانیت منتهی می‌شود؛ قواعدی که به صورت گسترده آیین بودا را به صورت عملی شکل می‌دهد.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به کتابی از بودا، گفت: بودا کتابی به نام «تی پیتکه« (به معنای سه سبد یا سه زنبیل) دارد که نگاشته خود اوست و جزء منابع دست اول و بسیار قدیمی آیین بوداست. چون این کتاب سه بخش دارد، هر بخش را يك زنبیل یا سبد نامیده است. بخش اول که مبسوط‌ترین بخش آن کتاب است، دقیقاً ناظر به همان قواعد رهبانیتی است که بودا در آیین خود مطرح کرده است. برای مثال یکی از آموزه‌هایی که در آنجا به تفصیل بیان شده، اجتناب از خوردن گوشت حیوانات است.

وی با بیان اینکه این چهار اصل به‌عنوان چهار حقیقت جلیل در اندیشه‌های بودا مطرح می‌شود، اظهار کرد: با اندکی تأمل بر روی این چهار اصل می‌توان دریافت که این چهار اصل به دو اصل خلاصه‌تر قابل تقسیم و انقسام است: دو اصل اول (زندگی سراسر رنج است و ریشه تمام آلام انسان آرزوهای اوست) دو اصل نظری و مربوط به حوزه انسان‌شناسی است، اما اصل سوم و چهارم دو اصل عملی و کاربردی ناظر به حوزه رفتار و عمل است. یکی از وجوه اندیشه‌های هندو این است که هم به حوزه نظر و هم به حوزه عمل توجه دارد و تنها يك آیین نظری یا عملی را ارائه نمی‌کند و این دو وجه را با همدیگر عرضه می‌کند.

وی ادامه داد: نکته‌ای که در اینجا محل سخن ماست اینکه در برخی آثار و مقالاتی که درباره آیین بودا نگاشته شده، به این نکته اشاره کرده‌اند که اصل رنج را قرآن نیز مطرح فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ« (بلد/4) و از همین روی با شتاب زیاد حکم به این‌همانی کرده‌اند. اگر واژه «کبد« را در لغت‌نامه‌های قرآنی مانند وجوه القرآن، قاموس القرآن، تفسیر غریب القرآن، مجمع البحرین طریحی، مفردات راغب اصفهانی و... مشاهده کنیم، می‌بینیم که نوعاً واژه «تعَب« (رنج) و «عَذَاب« را معادل آن قرار داده‌اند.

این مدرس حوزه و دانشگاه تصریح کرد: آنان با استناد به این آیه و روایاتی چند - که برخی از آنها ذیل همین سوره نیز آمده است - با حکمی شتاب‌زده مبنی بر این‌همانی اصل رنج بودیسم و واژه قرآنی «کبد« مدعی می‌شوند که آنچه بودا درباره رنج مطرح کرده، قرآن نیز همان را گفته است. حال باید بررسی کرد اصل «کبد« یا «عُسْر« که در قرآن آمده همان اصل رنج بودیسم است یا نه؟ تفاوت‌های متعدد، عمیق و بنیادی میان اصل «کبد« قرآنی با اصل رنج بودا وجود دارد.